

تحلیلی بر فضای آیینی محوطه‌ی معبد مهر مراغه

فریبرز طهماسبی

کارشناس ارشد باستان‌شناسی، اداره میراث فرهنگی و گردشگری اردبیل

fariborz.tahmasebi@yahoo.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۰)

چکیده

فضاهای آیینی اول از همه مکان‌هایی برای ارتباط با الوهیت هستند. مکان‌هایی که مردم برای اجرای مراسم عبادی به آن‌جا می‌روند. این کارکرد اغلب توسط نمادهایی بیان می‌شوند که نشان‌دهنده یک ارتباط بین دنیای انسان‌ها و قلمروهای برتر هستند. چنین نمادهایی ممکن است اشیاء عمودی باشند که از زمین رو به آسمان بالا می‌روند مثل کوه‌ها، درختان، ریسمان‌ها، ستون‌ها و دیرک‌ها. نامیدن یک مکان به عنوان یک جای آیینی، ادعا می‌کند که ساختار و نمادهای آن بیان‌کننده ارزش‌ها و اصول بنیادین فرهنگی هستند که مردم در آنجا به مراسم‌های عبادی می‌پرداختند. محوطه معبد مهر را با توجه به ویژگی و کارکردهای آن می‌توان به عنوان یک فضای آیینی در نظر گرفت که از دوران باستان تا به امروز محل عبادی مردم بوده است که بخشی از آن مراسم‌ها در قبرستان و بخشی دیگر در داخل معبد اجرا می‌شود.

واژگان کلیدی: فضای آیینی، محوطه معبد، امامزاده معصوم، قبرستان تاریخی.

مقدمه

محوطه‌ی باستانی معبد مهر با مساحتی بالغ ۱۰۰۰ متر مربع، در روستای ورجوی از توابع مراغه قرار گرفته که معبد و گورستانی را شامل است. این مجموعه در ۱۴۰ کیلومتری جنوب شرق تبریز و ۶ کیلومتری قبل از ورود به مراغه در سمت جنوب آن دهکده‌ای مشاهده می‌شود (تصویر ۱). که به لحاظ دارا بودن آثار تاریخی از دوران مختلف تا ۳ هزار سال قبل، انسان را با دنیای باستان آشنا می‌کند (شکاری نیری، ۱۳۸۵: ص ۱۱۱). که محوطه شامل قبرستان، معبد و یک محوطه تاریخی است. از نظر مختصات جغرافیای در فاصله ۴۵ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۳۷ دقیقه طول و ۳۶ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۳۸ دقیقه عرض جغرافیایی (ستارنژاد، ۱۳۹۵). و ارتفاع ۱۲۷۵ متری از سطح دریا قرار دارد. این مجموعه در سال ۱۳۵۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. این مجموعه در ۱۳۵۳ توسط دکتر پرویز ورجاوند شناسایی و کروکی آن توسط ایشان تهیه گردید. متأسفانه از آن زمان کاوش باستان‌شناسی در این محوطه صورت نگرفته است و تنها در بعضی از قسمت‌های محوطه آوار برداری صورت گرفته است (تصویر ۲).

محوطه امامزاده معصوم مراغه از ارزش معنوی زیادی برخوردار است و هر ساله در این محوطه مراسم آیینی - مذهبی برگزار می‌شود. نگارنده با هدف مطالعه و بررسی قوم باستان‌شناختی در این روستا، این محوطه را مورد مطالعه و بررسی قرار دارد.

سوالات پژوهش

- ۱- زمان شکل‌گیری این محوطه مربوط به چه دوره‌های زمانی است؟
- ۲- کاربری بنا در دوران‌های مختلف زمانی چه بوده است؟
- ۳- مهمترین کاربری محوطه معبد مهر چیست؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر به صورت میدانی بوده ضمن مطالعات باستان‌شناسی، از قوم باستان‌شناسی نیز بهره جسته است. در کنار فعالیت‌های میدانی به منابع مکتوب تاریخی نیز دست یازیده است. به طور کلی منابع مکتوب به عنوان مکمل فعالیت‌های میدانی بوده است.

شرح قسمت‌های مقدسه محوطه ورجوی

معبد مهر

این بنا معبدی است که به تمامی در عمق زمین کنده شده و جز ورودی دالان مانند سراسیب مقابلش راه دیگری نداشته است. وجود اطاق‌ها و واحدهای مختلف در پیرامون تالار بزرگ و وسعت قابل توجه تالار حاکی از آن است که این مجموعه یکی از بزرگترین معابد مهری به شمار می‌رفته است (تصویر ۳) (ورجاوند، ۱۳۵۱: ص ۱۰). با توجه به این که مشخصه معماری صخره‌ای تا دوران هخامنشی سطوح مسطح و راست گوشه بدون خطوط منحنی چه در، درگاه‌ها و چه در پوشش سقف‌ها می‌باشد و این همان نکته‌ای است ما را به پیشینه‌ی معبد مهر ورجوی و به

ورودی عریضی دارد که ۷/۲۰ متر تا ۴/۷۰ متر متغیر است.

طول نیایشگاه از ابتدای ورودی تا انتهای محرابه آن ۳۸ متر است در سمت چپ قسمت ورودی یک فضای در دل صخره کنده شده است، که دارای طرح جالبی است پلان آن به صورت مربع است و ابعاد آن ۱۰×۱۰ متر است در وسط یک ستون بسیار قطور بصورت هشت ضلعی باقی گذاشته شده است که قطر آن حدود ۵/۵ متر بالغ می‌شود. این ستون با جرزه‌های صخره‌ای اتاق بزرگ ۱۰×۱۰ را به چهار قسمت تقسیم کرده است، که دو قسمت آن بصورت گنبدی مدور بالای جرزه‌ها تراشیده شده است و به این صورت تبدیل به چهار اتاق صخره‌ای گنبد دار گردیده است. در بالای گنبد هر کدام از قسمت‌های چهار گانه یک نور گیر مدور تراشیده شده است که روشنایی محوطه داخلی را کاملاً تامین می‌کند گذشت زمان موجب وسیعتر شدن نورگیرها شده و قطر آنها به صورت تناسب افزایش یافته است و موجب هجوم بیشتر عوامل مخرب بداخل آن گردیده است. فضاهای کوچک چهار گانه داخلی در قسمت سقف به وسیله قوس‌های تراشیده زیبایی به شکل کلیل از همدیگر مجزا می‌شود (تصویر ۴).

ستون عظیم داخلی دارای محراب گونه اسلامی است و در سه ضلع آن ۶ عدد طاقچه به صورت دو طبقه کنده شده است. که در بالا دارای قوس هستند و کاملاً همانند طاقچه‌های دوران اسلامی است و به طور کل درکندن این

دوره‌ی اشکانی رهنمون می‌شود. فضاها و عناصر خمیده و بیز هستند که در مقطع تاریخی اشکانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از دلایل تغییر فرم عناصر معماری از مسطح به خمیده را می‌توان حاصل پیشرفت معماری به خصوص پیشرفت ایرانیان در ایجاد پوشش طاق‌ها با استفاده از مصالح متداول‌تر و بدون احتیاج به چوب و به خاطر دوام بیشتر آن دانست که از دوره پارت این تغییر بصورت چشمگیر دیده می‌شود. (گیرشمن، ۱۳۷۰). این بنا را به دوره اشکانیان نسبت می‌دهند.

ورودی بنا شامل راهروی پهنی است که با شیب متوسط در سنگ کنده شده است. عرض راهرو در قسمت جلو ۷/۲ متر و در انتها ۶/۲ متر و عمق قسمت سر پوشیده آن حدود ۴/۷ متر است. البته در خاکبرداری‌های اخیر در سال ۸۱ و ۸۲ در بخش ورودی پله‌هایی مربوط به دوره ایلخانی پدیدار شد که معلوم گشت سطح شیبدار به مرور زمان بوجود آمده است. در انتهای این فضا، ورودی دیگری به عرض ۱/۸ متر در سنگ کنده شده است که با عبور از آن می‌شود به محوطه‌ی وسیع و بزرگ تالار مرکزی وارد شد بر روی جرزه سمت چپ ورودی مستطیل شکل نقش حجاری شده‌ای شبیه گل و برگ وجود دارد. ولی با توجه به نوک و انتهای آن می‌توان این نقش را شبیه به مار دانست. طرحی که نظیر آن را در برخی از حجاری‌های ستایشگاه‌های مهری موجود در روم، واتیکان و رومانی شاهد هستیم (ورجاوند، سال ۷ ش ۵). یک

تحلیلی بر فضای آیینی محوطه‌ی معبد...

اطاق با پلان مربع از یک نقشه از پیش طراحی شده استفاده شده است و به نظر می‌رسد که این قسمت در دوران اسلامی کنده شده و یا حداقل تغییرات بسیاری در این دوره بر آن اعمال شده است. فضای داخلی صخره در قسمت شرق خود، اتاقکی دارد که سقف آن تا حدی شبیه به سقف معبد رصدخانه مراغه است ارتفاع اتاق مربع ۱/۹۰ متر است. در محوطه داخلی آن در چهار ناحیه از جداره-های صخره‌ای آن آیات قران را به خط ثلث تراشیده‌اند که به مرور زمان بعضی قسمت-های آن تخریب شده است و به نظر می‌رسد زمانی عمداً قسمت‌هایی از آن راتخریب کرده‌اند.

تصویر شماره ۱ آیه ۱۲۹ سوره آل عمران است و به این صورت خوانده می‌شود، ((و لله ما فی سماوات و ما فی الارض یغفر لمن یشا یشا یخذب من یشا و الله غفور رحیم)) (هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست، هر کس را خواهد ببخشاید و هر که را خواهد عذاب کند خداوند بسیار آموزنده و مهربان است) راهرو مدخل مستقیماً به یک محوطه سرپوشیده‌ای با پلان مستطیل شکل وارد می‌شود که وسعت قابل توجه دارد و ۱۲/۵ متر طول و حدود ۶/۵ متر عرض دارد این فضا که یک فضای مکعب مستطیل است در قسمتی از یک سقف نور گیر بزرگ دارد و دیوارهای داخلی آن و نیز دیواره بیرونی سمت ورودی دار نقوش گل و گیاه است. این محوطه که حالت شبستان را دارد، بزرگترین محوطه این مجموعه است و در پیرامون خود

چهار اتاق مدور گنبددار دارد. آنها نیز بوسیله نورگیر بالای گنبد روشنایی کافی دریافت می‌کنند بعضی از این اتاق‌ها دارای طاقچه هستند، به طوری که اولین اتاق سمت راست ورودی ۵ عدد طاقچه دارد و اتاق مدور سمت راست یک قبر در داخل خود دارد (تصویر ۵ و ۶).

بزرگترین اتاق مدور مسجد امامزاده معصوم در راستای راهرو تالار بزرگ قرار دارد و قطر آن ۶ متر است و در انتهای خود یک محراب پیچیده‌ای دارد. این اتاق مدور از دو جناح با تالار بزرگ ارتباط پیدا می‌کند یکی به صورت درگاه مستقیم و دیگر با یک راهروی پیچیده که اتاق‌ها و تونل‌ها مسر آن را شکل می‌دهند. یک محراب مانند مقرنس‌کاری در ابتدای سمت راست تالار وجود دارد در دوره اسلامی قرن ۷ یا ۸ هجری ساقه دور گنبد آن را تبدیل به مقرنس‌های زیبایی نموده و قطار بندی جالبی دور تا دور آن تراشیده است. یکی از عناصر پنج ضلعی آنرا در قسمت داخل تبدیل به عناصر گره چینی نموده‌اند، که شاید در نظر بوده که همه آن‌ها را به صورت گره چینی زیبایی با نقوش هندسی بتراشند که این کار متوقف شده است. گویا ((واریک بال)) آنرا بررسی نموده است و کسب هنری آن به قرن هشتم هجری (اواخر قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ میلادی) نسبت داده است. وی از روی کسب کنده‌کاری صخره-ای آثار پذیرفته است، که این مجموعه دارای کسب و سنت محلی بوده و مجدداً اواخر دوره ایلخانی فعال شده است. ورجاوند نیز عقیده

مشابهی دارد و آنرا یک معبد مصری دانسته و تغییرات بعدی را در قرن ۸ می‌داند و آنرا با نیایشگاه، قدمگاه مقایسه کرده است. بدون شک نیایشگاه، امامزاده معصوم در روزگار قبل از اسلام یک معبد میتراپی یا مهر پرستی بوده است و تا کنون سه عدد از این پلان در آذر بایجان شرقی شناخته شده است. حالت خاص محراب آن با طرح محراب بسیاری از معابد مهری یا محرابه‌ها شباهت دارد و با توجه به وسعت نیایشگاه می‌توان گفت که در دوران رونق مجدی با شکوه بوده است. تمام قرائن و شواهد چنین مشخص می‌کنند که کندن این معبد مدت زیادی طول کشیده است (شکاری نیری، ۱۳۸۵: ص ۱۷۱). (تصویر ۶).

امامزاده ملا معصوم مراغه‌ای

در شرح حال ملا معصوم مراغه‌ای چنین آمده است: آخوند ملا معصوم مراغه‌ای، یکی از علمای بزرگ قرن سیزدهم هجری قمری در مراغه بوده، که نویسنده تفسیر صافی از او به عنوان یکی از فقه‌های بزرگ منطقه یاد کرده است (مخلصی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۸). سومین بخش بنای ملا معصوم بخش عبادتگاه آن است که نمای خارجی آنرا یک گنبد کوچک و محقر آجری و دو، بام تشکیل می‌دهند. به فاصله ۵ متر از چهار غرفه یا حفره که در بالا مذکور افتاد دهانه غار زیر زمین ملا معصوم به عرض ۵/۴۰ متر جلب نظر می‌کند، سقف دهانه را کف سنگ طبیعی زمین از نوع شیست پوشانیده است (سستی زمین‌ها نوع شیست کند و کار و شکل بخشیدن آنرا آسان

می‌کند). یک خاکریز شیب‌دار در جلو دهانه وجود دارد که منتهی به دالانی زیر زمینی با طاق هلالی می‌شود، ارتفاع سقف دالان از زمین ۲/۵ متر و طول راهرو ۱۷/۶۰ متر و دیواره‌های راهرو بطور طبیعی در زمین نوع شیت کنده و حجاری راهرو بطور طبیعی در زمین نوع شیست کنده و حجاری شده است. پیش از رسیدن به در ورودی عبادتگاه دو پله با ارتفاع ۲۰ سانتی متر در دالان حجاری شده است. در انتهای دالان و جنب ورودی، مدخلی دهلیزی تاریک و بدون روزنه به شکل مربع نامنظم به مساحت تقریبی ۱۷ متر مربع می‌توان راه یافت. این دهلیز نیز به منزله حجره و زاویه‌ای است که گویا محل چله-نشینی و عزلت‌گزینی اهل خلوت و عبادت به شمار می‌رفته است (کامبخش فرد، ۱۳۷۳: ص ۱۴۸) (تصویر ۷).

چندی پیش زنانی که برای عبادت به این معبد روی می‌آوردند در موقع ورود به محل بقعه، یک صندوق چوبی در آنجا بود و روی آن را با پارچه‌ای سیاهی کشیده شده بود و زیر آن قبری وجود داشت که اهل محل آن را قبر امامزاده معصوم می‌نامیدند و از راه‌های دور با نذورات فراوان به زیارت آن می‌آمدند و هنگام ورود به بقعه پاشنه سنگی در را می‌بوسیدند و زیارت می‌کردند و در داخل بقعه امامزاده شمع روشن می‌کردند (بیگ بابا پور، ۱۳۸۸، ۱۷۹).

قبرستان تاریخی

مجاور با معبد زیرزمینی ورجوی گورستانی قرار گرفته که قدمت و عمر آن بنا به نوشته سنگ گورها و کتیبه‌های منقور بر آنها به قرن دهم هجری می‌رسد. این گورستان در طبقه فوقانی معبد زیرزمینی واقع است و هنوز هم مورد استفاده اهالی و تنها گورستان دهکده محسوب می‌شود. در جوار معبد زیرزمینی تعدادی گورهای قدیمی نیز وجود دارد که تاریخ کتیبه‌های آنها، قدمتشان را به قرن نهم و دهم می‌رساند. یکی از سنگ قبرها که نقش گرز و کمان و سپر بر روی آن کنده شده تاریخ ۹۰۸ دارد. این سنگ قبر چه از نظر تاریخ و چه از نظر نقوش و تزئینات آن قابل مقایسه با سنگ قبرهای دهکده بادامیار آذرشهر است و این گرز و کمان علامت مشخصه قومی است که در قرن نهم و اوئل قرن دهم هجری در سراسر حوزه شرقی دریاچه رضائیه گسترده بودند و در یکی از کتیبه‌های گورستان قدمگاه که نقش گرز و تیر و کمان و سپر بر روی سنگ قبر منقوش است، اشاره‌ای به امیر چوپانی دارد. گمان می‌رود که این نوع قبر به سرداران و جنگجویان چوپانیان مربوط باشند. قابل ذکر است که مجسمه قوچ سنگی که نمونه‌های مکرری از آن در گورستان خواجه حیران و قدمگاه آذرشهر دیده شد، در گورستان ورجوی نیز موجود است، و نقش قوچ سمبول قومیت قره‌قوینلو بوده است. یکی از سنگ قبرهای این گورستان که مجاور گنبد معبد قرار گرفته کتیبه‌ای دارد که به هیچ یک از انواع اقلام و خطوط اسلامی شبیه

نیست و نوعی خط شکسته منحصر بفرد است. تاریخ این کتیبه ۱۰۶۹ هجری است و بر پیکره سنگ نقش سپر و شمشیر و تیر و کمان منقوش است (کامبخش فرد ۱۳۷۳: ۱۵۳). به طور کلی شکل سنگ قبرهای که از این محوطه بدست آمده مکعب مستطیل است. ارتفاع این سنگ قبرها بین ۳۰ و ۵۰ متغیر است. تکنیک تراش سنگ قبرها بیشتر تکنیک حکاکی است که شبیه سنگ قبرهای روستای امیر و چلان سفلی مراغه می‌باشد. از نمونه‌های جالب این گونه سنگ‌ها می‌توان به صندوق سنگی منقش قبر زمان بیگ فرزند کد خدا میرزا بیگ متوفی در سال ۱۰۸۵ هجری قمری اشاره کرد. اغلب این سنگ‌ها متأسفانه امروزه از بین رفته و مفقود شده‌اند. اما عده کمی از آنها به موزه سنگ نگاره‌ها مراغه انتقال یافته است (بیگ باباپور، ۱۳۸۸، ۱۷۳)، (تصویر ۱۰).

مراسم ماه محرم

هر ساله در ماه محرم، روزهای عاشورا و تاسوعا مردم روستای ورجوی جهت انجام مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی در این محل جمع می‌شوند و به سینه‌زنی و عزاداری می‌پردازند و پس از اتمام مراسم سینه زنی شاهد دادن نذری توسط مردم روستا هستیم.

خانقاه

واژه صوف از لحاظ لغت به معنای پشم گوسفند می‌باشد. و در کلمه صوفی چنانچه حرف یاء آن را «یاء» نسبت بدانیم معنای

پشمین دارد. این کلمه معنای دیگری نیز دارد که آن شخص پشمینه پوش می باشد. یعنی کسی که لباسی از پشم بر تن دارد. اما علی اکبر دهخدا در لغت نامه، ذیل واژه صوفی درباره نامگذاری این اشخاص بلفظ صوفی وجوهی ذکر شده است. از جمله بعضی گفته اند لفظ صوفی از ماده «صفا» مشتق است. ولی این عقیده به حسب موازین فن اشتغال ظاهراً درست نیست. زیرا کلمه صفا ناقص واوی و صوف اجوف واوی است. مگر این که قلب مکانی شده باشد که دلیلی در این مورد نداریم (همایی، ۱۳۶۶، ۵۵). پایه گذاران اولیه تصوف که طبقه اولی و سران اولیه تصوف بشمار می آیند، همگی بر مذهب اهل سنت بوده و نه تنها مدرک و شاهد قانع کننده ای برای تشیع و ارتباط خاص آنها با ائمه اهل بیت (چه از نظر رجال و تاریخ شیعه و چه از نظر تذکره های ابتدای صوفیه) در دست نیست. بلکه کتبی که از زمان های قبل از عصر صفویه (که تصوف رنگ تشیع بخود گرفت) از مشایخ صوفیه بازمانده است، بهترین گواه تسنن مشایخ اولیه محسوب می گردد (عمید زنجانی، ۱۳۶۷، ص ۸۳). از دیگر جنبه های خاص صوفی گری اینست که خانقاه و آئین و رسوم آن مربوط و مخصوص به تصوف ایران بوده است. چنانکه پیش از آن در میان متصوفه عراق و جزیره پیش از آن که تصوف ایران در آنجا راه بیابد معمول نبوده است. این نکته از بدیهیان است که خانقاه از ابتکارات متصوفه ایران بوده است. تردیدی نیست که صوفیه ایران مراسم و آئین خانقاه

را از مانویان گرفته اند و این کلمه در زبان تازی حتماً معرب "خانگاه" فارسی است (نفیسی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴).

تاریخ دقیق آشنایی مردم منطقه مراغه با مقوله صوفی و صوفی گری دقیقاً مشخص نیست ولی از شواهد در دسترس چنین بر می آید که تصوف در منطقه با مشرب عرفانی بایزید بسطامی شکل گرفت که بایزید با گسیل شیخ ابو اسحاق ابراهیم حوینانی مکتب خراسان را در آذربایجان پی ریزی کرد. چنانکه بعدها در قرن ۵ ه. ق. ابو نصر شیروانی از شاگردان او همین وظیفه را بر عهده داشت (جستاری در میراث اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۲). و بعدها سلسله های صوفی گری چون ادهمیه که بابا حسن ولی سرخابی از بزرگان اولیا تبریز که به پیر هفتاد بابا معروف است نیز باید اشاره ای داشت که در صوفی گری منطقه بسیار تاثیر گذاشت (حسین زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۲۵). امروزه آثار موجود در منطقه مراغه نیز خود گواه بر این موضوع است که زمانی مراغه تحت تاثیر صوفی گری بوده است، که از شخصیت های تاثیر گذار می توان به خواجه نصر الدین توسی و اوحدی مراغه ای که از شاگردان اوحدالدین کرمانی که موسس سلسله صوفی گری اوحدیه در منطقه آذربایجان بوده و در شهر مراغه بسیار فعال بود اشاره کرد (جستاری در میراث اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۴). آثار باقی مانده در شهر مراغه نشان می دهد که در قرون گذشته در این منطقه صوفی گری بسیار رواج داشت، و پیروان زیادی در گوشه و کنار این منطقه به

تربیت شاگردان می‌پرداختند. و خانقاه‌هایی در برخی از روستاهای منطقه قابل مشاهده است، از طرف دیگر وجه تسمیه برخی از روستاهای منطقه مراغه نیز گواهی بر وجود صوفی‌گری است مانند: شیخ‌جان، شیخ‌لر، رودخانه صوفی‌چای، محله پیر قاپوسی، روستای خانقاه که یکی از روستاهای تاریخی مراغه با پل زیبای از قرن هشتم هجری و امزاده‌ای که بی شک معرف وجود خانقاه در این روستا بوده است (ستارنژاد، ۱۳۹۱، ص ۴). (تصویر ۱۱).

از ظواهر امر می‌توان حدس زد که بنای ملا معصوم ورجوی یک خانقاه بوده است با تفاوتی که تکیه و زاویه و رباط نیز خوانده می‌شود و محل اجتماع صوفیان صادق بوده است. با توجه به اینکه تصوف در قرن دهم و یازدهم (تاریخی که بر روی سنگ‌های قبور مجاور بنا در گورستان ورجوی می‌بینیم که شاید مقارن با عصر گسترش بنای مذکور از غار و پناهگاهی طبیعی به عبادتگاه و خانقاهی باشد) در آذربایجان قدرتی به هم زده و مراکز شیوخ و متصوفه و نیز پیروان شیخ صفی‌الدین اردبیلی محسوب می‌شده و با توجه به اینکه هنوز دهکده‌ای در مجاور ورجوی به نام خانقاه وجود دارد و با توجه به وضع بنای ورجوی و اجزاء آن، می‌توان حدس زد که این محل خانقاه اهل تصوف بوده است. مهمتر از همه زیر زمینی بودن و تاریکی انزوایی است که در این معبد وجود دارد. اسرار و رموز نزد صوفیان صادق معتبر شمرده می‌شد، به این معنی که چون صوفیان از قدیم مکرر مورد طعن و استهزاء و نفی منکران

بودند و بنا چار به نوعی خویشتن‌داری و پنهان‌روشی و زندگی زیر زمینی روی آوردند؛ کم‌کم این نوع سلوک خود اصلی به نام حفظ اسرار بین صوفیه گردید، همین طرز فکر آنانرا به نوعی زندگی مرموز و زیر زمینی سوق داد و این مسئله در تمام مظاهر زندگی آنان حتی در سبک و سیاق بنای خانقاه تأثیر تام داشته است. خانقاه را عموماً در نقاط پرت و دور افتاده و به صورت تاریکخانه‌ای پراز اسرار و رموز بنا می‌کردند و یا غارهای تاریک و دور را منزل و مسکن و معبد خود قرار می‌دادند. در نزد بعضی از فرق صوفیه عبور از غارهای تاریک به منزله عبور از عوالم زیر زمینی تلقی می‌شد و جذب و خلسه عرفانی از این طریق حاصل می‌گردید و همین زندگی غارنشینی و زیر زمینی (که برگشتی به غار نشینی ادوار ابتدایی بشر است) باعث می‌شد که سالک از تمام تعلقات زمینی و آنچه روی زمین جریان دارد برهد و به خداوند اتصال یابد. کتیبه‌های حجاری شده بنا متعلق به زمانی است که این نیایشگاه بعنوان خانقاه و زاویه مورد استفاده اهل تصوف قرار گرفته است که تاریخ حدود قرن ۸ هجری قمری را بیان می‌نماید (نادره شجاع و نسیم علیپور، ۱۳۸۴، ص ۴۷).

پی‌نوشت

- معبد مهر توسط پژوهشگران زیادی مورد مطالعه قرار گرفته است و بیشترین اعتقاد بر مهرابه بودن محوطه است. از جمله

ستارنژاد، سعید، ۱۳۹۵، مطالعه و بررسی باستان شناسی معماری دستکند شهرستان مراغه، پایان نامه کارشناسی ارشد باستان شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

شجاع دل نادره و علیپور نسیم، ۱۳۸۴، پیشینه مهرپرستی و نیایشگاه ورجوی مراغه، تاریخ پژوهی، ش ۲۴ و ۲۵، سال ۷.

شکاری نیری، جواد، ۱۳۸۵، امامزاده معصوم مراغه ای معبد مهرپرستی ایرانی و نشان ها در معابد ارو پای، مجله مطالعات ایرانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۵، شماره ۱۰.

شکاری نیری، جواد، ۱۳۷۱، "معماری صخره ای در آذربایجان و زنجان" پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

عالم پوررجبی، مسعود، میراث فرهنگی و گردشگری آذربایجان شرقی، ۱۳۸۳.

عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۷، تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، چاپ دوم، تهران: دارالکتب اسلامی.

فیروزمندی و سرافراز، باستان شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، پارت، ساسانی، ۱۳۸۳، انتشارات عفاف.

قدیانی، عباس؛ ۱۳۸۱، تاریخ ادیان و مذهب در ایران، فرهنگ مکتوب.

کامبخش فرد، سیف الله؛ ۱۳۷، بر سیمای باستان شناسی آذر شهر مراغه، مجله میراث فرهنگی، ش ۱۲، تهران.

- مطالعات ورجاوند، شکارنیری، شجاع دل و... اشاره کرد.

- کلیه تصاویر توسط نگارنده تهیه شده است.

نتیجه گیری

محوطه های آیینی از جمله مکان های مقدسی هستند که بنا به دلایلی که بیشتر مقدس بودن زمین محوطه شکل گرفته اند و در طول زمان های متمادی مورد استفاده مردم در اجرای مراسمات قرار گرفتند، محوطه معبد مهر نیز در طول سالیان دراز با کارکرد دینی، هر چند با وجود تفاوت های جزئی در نحوه عبادت مورد توجه بوده است و امروزه نیز شاهد اجرای مراسم هستیم که شاید در قرون گذشته محل اجرای مراسم مهرپرستی یا صوفی گری بوده و امروزه تبدیل به محل سینه زنی و مراسمات عزاداری هستیم که نشان می دهد که این محوطه در منطقه مراغه به عنوان یکی از محوطه های آیینی مورد استفاده مردم قرار می گرفته است.

منابع:

بیگ باباپور، یوسف، ۱۳۸۸، مزارات سنگ نوشته ها و اسناد مراغه، قم انتشارات مجمع ذخائر اسلامی، چ اول.

تحلیلی بر فضای آیینی محوطه‌ی معبد...

کامبخش فرد، سیف‌الله؛ ۱۳۸۰، آثار تاریخی ایران، انتشارات تعاون سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول تهران.

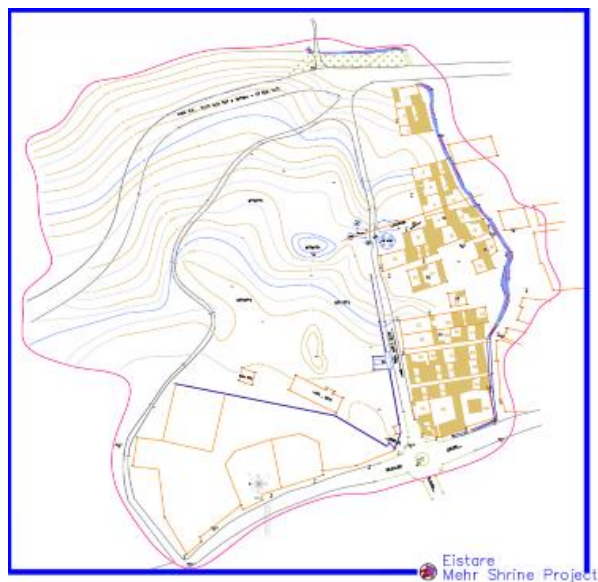
مخلصی، محمد علی، ۱۳۷۱، فهرست بناهای آذربایجان، تهران، ناشر میراث فرهنگی کشور.

مروارید، یونس، مراغه (افرازه رود) نشر اوحدی، تهران، ۱۳۷۲.

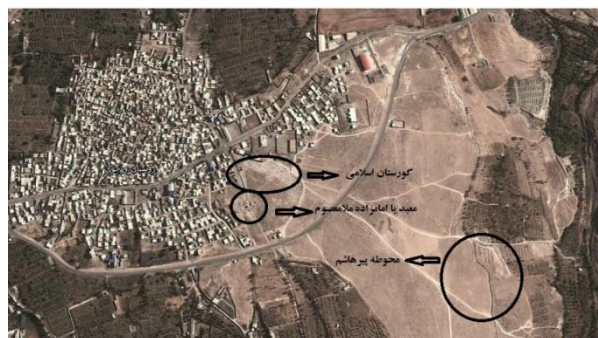
ورجاوند پرویز؛ ۱۳۶۶، کاوش رصدخانه مراغه، انتشارات امیر کبیر تهران.

ورجاوند، پرویز، نیایشگاه مهری یا امامزاده معصوم ورجوی، بررسی‌های تاریخی، شماره ۵، سال ۷.

همائی، جلال‌الدین، ۱۳۶۶، تصوف در اسلام، چاپ دوم، تهران: انتشارات هما.



تصویر ۱: نقشه توپوگراف معبد مهر



تصویر ۲: محوطه معبد مهر



تصویر ۳: ورودی معبد مهر



تصویر ۴: گنبد‌های معبد مهر



تصویر ۵: تاقچه‌های داخل معبد مهر



تصویر ۶: کتیبه داخل معبد



تصویر ۷: گنبد امامزاده معصوم



تصویر ۸: چله‌خانه امامزاده معصوم



تصویر ۹: قبرستان روستای ورجوی



تصویر ۱۰: پل تاریخی منطقه